

تألیف: ریچارد متیو - و - جرج شامبوگ

فصلنامه مطالعات راهبردی

ترجمه: مجتبی عطارزاده

شماره سوم، بهار ۱۳۷۸

محقق پژوهشکده مطالعات راهبردی

تهدیدهای فرامرزی

و آسیب پذیریهای ملی^۱

فهرست

مقدمه

الف: تهدیدها و آسیب پذیریهها

ب: ستیزه‌ای نو در برابر امنیت

ج: تهدیدهای بین‌المللی قرن بیست و یکم

د: بازگشت به پاسخی انعطاف‌پذیر

ح: نتیجه‌گیری

چکیده

تحولات ژرف در عرصه فن‌آوری، مفهوم امنیت را نیز تحت‌تأثیر قرار داده و ضرورت توجه به تهدیدهای جدید را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. این تهدیدها، بیشتر جنبه فراملی داشته و یک کشور به تنهایی قادر به مقابله با آنها نیست.

نویسندگان این مقاله ضمن اشاره به تقسیم‌بندی‌هایی از تهدیدهای جدید بر ضد امنیت ملی، بر این نکته اصرار دارند که ماهیت این تهدیدها، تقسیم‌سستی تهدیدها به داخلی و خارجی را مخدوش نموده است و در نتیجه باید به گونه‌ای نو به آنها نگریست؛ چه آن‌که صرف‌نظر از پیامدهای منفی، آثار مثبتی

نیز به همراه دارند. از این گذشته، اغلب تهدیدهای فراملی به دست دولتها مهارشدنی نیستند و ابزارهایی که به‌طور سنتی برای دفاع در مقابل آنها به کار می‌رفت، نیز بی‌اثر می‌باشند.

پیشنهاد نویسندگان برای مقابله مؤثر و جدی با این‌گونه تهدیدات بر ضد امنیت ملی این است که طی سه مرحله بازیگران و پدیده‌های فراملی شناسایی و با آنان مقابله شود که این خود مستلزم عزم جامعه جهانی بر این مهم است.

مقدمه

نوآوریهای تکنولوژیک پنجاه ساله اخیر، تأثیری ژرف و متنوع بر امنیت مردم سراسر جهان داشته است؛ به موازات افزایش این تأثیر نیز، ضعف و نارسایی تفکر و رفتار امنیتی کلاسیک آشکار می‌گردد. برداشتهای سنتی از امنیت با مقطع پس از جنگ سرد سازوار است و سیاستگذاران باید نسبت به تهدیدهایی که از بر قدرتهای منطقه‌ای و دولتهای سرکش متوجه آنهاست، هوشیار بوده و بدان پاسخ دهند. (۱) اما اینک ما باید دامنه دید خود را تا بدان جا بگسترانیم که حوزه‌های غفلت شده‌ای را نیز در برگیرد که در آنها تهدیدهای جدید شدت یافته، آسیب‌پذیرها جدی و سیاستهای آینده‌نگر اجتناب‌ناپذیر گشته است. (۲) بسیاری از تهدیدهای معاصر، برخاسته از عواملی نظیر بیماریهای واگیردار همانند ایدز، قاچاق مواد مخدر و تروریسم که سلاحهای کشتار جمعی را نیز شامل می‌شود، جنبه فرامرزی دارند؛ آنها به رغم گذشتن از مرز کشورها، عموماً قادر نیستند به‌طور مستقیم با سیاست خارجی یا رفتار دیگر کشورها ربط پیدا کنند. این تهدیدها بیش از آن که به دست دولتهای ملی خلق یا کنترل گردند، در شبکه‌ای پیچیده، پویا و بین‌المللی که حاصل فن‌آوریهای

امروزین ارتباطات، حمل و نقل و اطلاعات است، یافت می‌شوند. این شبکه، مجموعه‌ای از انگیزه‌ها، فرصتها و توانمندیهای افراد و گروهها را مطرح می‌سازد که کارکرد آنان - غرض‌ورزانه یا بی‌غرض - می‌تواند بر ارزشهای بنیادین امنیت ملی نظیر تمامیت ارضی و استقلال سیاسی، حفظ سلامت و خوشبختی، آزادی و ثروت شهروندان و فرهنگ ملی، تهدید وارد کند.

تهدیدهای فراملی به سختی مهارشدنی می‌نمایند؛ چه بسا یک تروریست در فرانسه آموزش ببیند، حقوق خود را از یک فرقه مذهبی در ایالات متحده و از طریق بانکی در حوزه کاراییب دریافت کند، سلاح را از یک سازمان جنایتکار در روسیه بخرد، با گذرنامه کانادایی سفر کند و سرانجام گردشگران انگلیسی در آلمان را مورد حمله قرار دهد.

با قطع هر یک از حلقه‌های این زنجیر، تروریست مذکور به سرعت جایگزینی خواهد یافت. حتی در صورتی که همه کشورهای ذیربط به مداخله ترغیب شوند، شاید قادر به کنترل عوامل سیال جنایت و بازارهای سیاه مشغول به فعالیت در قلمرو حاکمیت خود نباشند. ماهیت فراملی این عوامل و پدیده‌ها، آنان را نسبتاً در برابر ابزارهای اجرایی سنتی و تحت کنترل دولت مرکزی، تأثیرناپذیر می‌سازد. تنها با اقدامی هماهنگ نظیر پشتیبانی بازیگران غیردولتی - از تولیدکنندگان اسلحه گرفته تا بانکهای تجاری - می‌توان به از هم گسیختن انگیزه، فرصت و توانمندیهای شبکه فراملی که مشوق تروریسم است، امیدوار بود. منطقی مشابه بر بسیاری دیگر از مشکلات فراملی حاکم است.

این نوشتار قصد آن دارد تا آسیب‌پذیری فزاینده کشورها در برابر تهدیدهای فراملی و نیز نوع پاسخهای راهبردی احتمالاً تأثیرگذار را بررسی کند.

همان‌گونه که بسیاری از تاریخ‌نگاران بیان کرده‌اند توان تطبیق‌پذیری جوامع [در برابر تهدیدهای نامبرده] به توسعه فن‌آوری، مقابله با شیوع بیماری و تغییرات در محیط اجتماعی بستگی دارد.

الف) تهدیدها و آسیب‌پذیریها

از نظرگاه تاریخی، تهدیدات در تفکر امنیتی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ (۳) دسته اول، تهدیدهای داخلی ناشی از اقداماتی نظیر فساد سیاسی و رفتار جنایی را در برمی‌گیرد. دوم، تهدیدهای خارجی که بر رفتارهای تجاوزکارانه دیگر کشورها متمرکز است. (۴) هرمن کان^۱ در سال ۱۹۶۰ یک‌گونه‌شناسی چهار قسمتی برای طبقه‌بندی تهدیدها عرضه کرد؛ (۵) سطح یک تهدیدها شامل مبارزه‌خواهیهای نسبت به منافع حیاتی یا ادامه بقا می‌شود؛ سطح دو تهدیدها منافع حیاتی یا بقای دوستان یا متحدان را به مبارزه می‌خواند؛ سطح سه تهدیدها منافع مهم اما نه حیاتی را به ستیزه می‌کشد و سطح چهار تهدیدها، مسایل ثانوی را به مبارزه می‌طلبند. تحلیل‌گران غربی عموماً بر اولویت تهدیدهای خارجی (سطح ۱ و ۲) برای همه کشورها تأکید می‌کنند، حال آن که دست کم در کشورهای پیشرفته این نکته را به بحث می‌کشند که تهدیدهای داخلی از اهمیت کمتری نسبت به دل‌مشغولیهای امنیت ملی (سطح ۳ یا ۴) برخوردارند. با پایان جنگ سرد، بسیاری معتقدند که تهدیدهای خارجی سطح یک یا دو، از نگرانی قدرتهای بزرگ کاسته است.

شاید چنین برداشتی دقیق باشد، اما کامل نیست؛ زیرا در حالی که دو دسته تهدیدات داخلی و خارجی به قوت خود باقی هستند، امروزه بسیاری بر مشکلات ناشی از سومین دسته یعنی تهدیدهای فراملی پامی فشارند. تهدیدهای

فراملی دیگر تنها نگرانیهای ثانویه امنیت (سطح ۴ تهدیدها) به شمار نمی‌روند، بلکه فراتر از آن، منافع حیاتی همه کشورها (سطح ۱ و ۲) را به مبارزه می‌طلبند. منابع این‌گونه تهدیدها، خطوط روشنی که پیش از این محیط داخلی را از بین‌المللی جدا می‌ساخت و بر کاربرد شیوه‌های سنتی در تأمین امنیت اصرار داشت، (۶) تیره و تار ساخته است. تهدیدهای فراملی هم از بازیگران بین‌المللی (نظیر شرکتها و سازمانهای غیردولتی، سازمانهای جنایتکار و تروریستها) و هم پدیده‌های فراملی که شاید حساب‌گرانه یا ناشیانه عمل می‌کنند (نظیر ایدز و دیگر بیماریها، آلودگی، بازارهای جهانی و فن‌آوری) ناشی می‌شوند.

پدیده‌های فراملی، پیامدهای مثبت بی‌شماری نیز دارند؛ درهم آمیختن فرهنگها، رشد داد و ستد اقتصادی، مشارکت در امر اطلاعات و فعالیت سازمانهای غیردولتی در بالا رفتن استانداردهای جهانی، می‌تواند در پیشرفت به مناسبات دوستانه بین کشورها سودمند افتد. با این حال، همان عوامل که در شبکه‌های فراملی مولد ثروتند عهده‌دار گسترش صلح و پاسداری از حقوق بشر هستند، می‌توانند زمینه‌های ظهور پدیده‌های فراملی‌ای چون گسترش بیماریهای واگیردار و آلودگی را فراهم آورند و فرصتها، توانمندیها و انگیزه‌هایی برای عوامل فراملی جهت قاچاق مواد مخدر، هماهنگی فعالیتهای تروریستی یا خرید و فروش اسلحه مهیا سازند. برخی بازیگران فراملی به عمد برای به مبارزه خواندن امنیت کشورها و شهروندانشان از شبکه‌های بین‌المللی استفاده می‌کنند، اما بسیاری از آنان بیشتر از طریق منابع مالی فراهم آمده به وسیله چنین شبکه‌هایی تهییج و برانگیخته می‌شوند. اغلب تهدیدهای متوجه دیگران از ناحیه آنها، نتیجه ناخواسته فعالیت خود آنان است. حتی فعالیتهای آشکارا

بی‌خطر و نامربوط فراملی - از گسترش ایدز گرفته تا گرم شدن زمین - می‌تواند تأثیراتی بس خطرناک داشته باشند. اغلب این بازیگران و پدیده‌ها نه قابل هدایت به وسیله دولت‌ها و نه قابل بازداشتن با ابزارهای دفاع سنتی هستند، ابزارهایی که دولت‌ها به‌منظور حفاظت از خود و شهروندان‌شان پدید آورده‌اند.

همواره دولت‌ها نگران آنند که همکاری ایشان موجب تقویت دشمنان در آینده شود. باید گفت که مشکل کنونی پیچیدگی بیشتری دارد، شبکه فراملی که موجب گسترش تحرک و جنبش شده و داد و ستد را تسهیل می‌کند، هم می‌تواند تشویق‌گر ارتباطات سودآور باشد و هم قادر به خلق یا توانمند ساختن تهدیدهای جدید و پیش‌بینی ناپذیر است. چه کسی می‌توانست پیش‌بینی کند که سیستم برتون وودز،^۱ روزی مبنای فرار سرمایه^۲ جهانی قرار گیرد و یا این که کشتی‌ای که از هند حرکت کرده ممکن است با خودبیماری واگیردار و با را به پرو ببرد.

(ب) ستیزه‌ای نو در برابر امنیت

با افزایش تهدیدهای فراملی، کشورها با ستیزه‌ای نو نسبت به امنیت مواجه گشته‌اند، که نه تنها از حیث میزان تأثیرش جدید است بلکه از لحاظ تنوع نیز تازگی دارد. به هر تقدیر، برخورد مؤثر با چنین مسأله‌ای - به دلیل تمایل سیاستگذاران جهت سازوار ساختن مشکلات نوظهور با تقسیم‌بندیهای مرسوم - با مانع روبرو می‌گردد. این مسأله در تلاشهایی که برای جا دادن تهدیدهای جدید یا تشدیدشونده در قالب مجموعه‌های مرسوم دولتی انجام می‌پذیرد، به وضوح دیده می‌شود. (۷) این امر، باوری را نیرومند می‌سازد که اگر حتی دولت‌ها تعهد کافی بسپارند، قادر خواهند بود تروریسم یا قاچاق مواد مخدر را در قالب‌های سنتی همکاری یا اجبار بین دولت‌ها، تحت کنترل درآورند. چنین طرز تفکری به سادگی - ولی به اشتباه - تهدیدات فراملی گوناگونی را در عرصه کشورهای خاص مطرح می‌سازد. برای نمونه، غالباً طرز فکر دولت محوری با مشکل دگرگونی محیط زیست، همراه ساختن آن با سطح رشد جمعیت و

راهبردهای توسعه کشورهای خاصی چون هند و چین به آسانی برخورد می‌کند. این طرز فکر، قاچاق مواد مخدر را مختص کشورهای کلمبیا، پرو، بولیوی، مکزیک یا مثلث طلایی آسیا و مسأله گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای را در تلاش‌های کره شمالی و عراق در دستیابی بمب (اتمی) منحصر می‌پندارد. چنین طرز فکری همچنین مایل است تروریست‌ها را به منزله عناصر دست‌نشانده دولت، به چند کشور [مشخص] مرتبط بداند.

البته درک چنین مواردی با آن چه در این جا آمد، اندکی تفاوت دارد. همه خوب می‌دانند "سبز کردن" چین، مشکلات زیست محیطی را حل نخواهد کرد و اما نحوه بیان همراه با سرزنش دولت امری مرسوم است و دریافته‌ها و سیاست عمومی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

این بدان معنی نیست که هیچ ارتباطی بین تغییرات محیطی و چین، مواد مخدر و کلمبیا یا گسترش سلاح‌های هسته‌ای و عراق وجود ندارد. رابطه میان تهدیدهای فراملی و کشورهای خاص می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد. همان‌گونه که در تأثیر جنایتکاران بین‌المللی بر دولت روسیه یا نفوذ باندهای جنایتکار مواد مخدر بر سیاست کلمبیا مشهود است، نقش آفرینان فراملی قادرند دولت‌ها را مستعمره خود ساخته یا به تباهی کشند. دولت‌هایی همچون صدام حسین که در پی جلب همکاری نیروهای عرب‌گرا یا اسلام‌گرا در جریان جنگ خلیج [فارس] برآمد، می‌توانند از حمایت بازیگران بین‌المللی سود جویند و چه بسا در موارد خاصی - همچون مواردی که امکانات مالی یا آموزشی برای سازمان‌های تروریستی مستقیماً به وسیله یک کشور خارجی فراهم می‌آید - اعمال فشار بر آن دولت با هدف متوقف ساختن فعالیت‌هایش، راه‌کاری تأثیرگذار باشد. اما مجموعه درهم‌تنیده انگیزه‌ها، موقعیت‌ها و قابلیت‌ها که به مراتب از

پیوندهای ساده و مستقیم پیشنهاد شده در بالا پیچیده‌ترند، تقویت و تداوم بسیاری از تهدیدات فراملی را در پی می‌آورند.

ویروس‌های کشنده، آلودگی، قاچاق مواد مخدر، گسترش تسلیحات و تروریسم، تهدیدهای فراملی هستند که به شدت سیالند و غالباً دامنه‌ای فراتر از سیاستهای دولتی را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهند. فشار بر چین برای مصرف زغال کمتر، اعمال تحریمهایی بر ضد عراق، سوزاندن مزارع کاکائوی پرو یا تحمیل تحریمهای جدید بر لیبی، ممکن است گشایشی به‌دنبال داشته باشد اما جلوی گسترش آلودگی، ازدیاد جنگ‌افزارهای هسته‌ای، مواد مخدر یا تروریسم را نخواهد گرفت؛ چرا که اقدام مشترک کشورها تنها یک بعد قضیه و راه‌حل آن به‌شمار می‌رود. با برقراری ارتباط قوی میان این گونه تهدیدها و کشورهای معین، ما توان خود را برای پیش‌بینی، شناسایی و پاسخ مؤثر به آنها محدود می‌کنیم. تهدیدهای بین‌المللی باید درک شده و تحت شرایط بستر بین‌المللی که عمل می‌کنند، ارزیابی گردند. تنها با در پیش‌گیری چنین روشی، راه‌کارهای مؤثر برای پاسخ به آنها گسترش و توسعه خواهد یافت.

ج) تهدیدهای بین‌المللی قرن بیست و یکم

در واقع امروزه به نظر می‌رسد هر فهرستی از تهدیدات، تحت سیطره آن چه ما عوامل و پدیده‌های بین‌المللی می‌خوانیم، قرار دارد. درک این نکته که این مسأله به سادگی از دوره صلح بالقوه کوتاه پس از پایان جنگ سرد میان قدرتهای بزرگ ناشی نمی‌شود و زمینه پیشرفت محدودی را نیز فراهم می‌آورد، حساس و مهم می‌باشد و گرنه امری نسبتاً بی‌اهمیت به شمار می‌رود. حتی اگر تهدیدهای سنتی بین کشورها خود را باز آشکار سازند، تهدیدهای بین‌المللی در سطح ۱ و ۲ باقی خواهند ماند. این بدان دلیل است که این‌گونه تهدیدها

دست کم به وسیله دو جریان قرن بیستم تشدید شده‌اند: افزایش میزان و درجه تحرک انسانی و افزایش میزان و درجه دسترسی افراد به کالا، خدمات و فن‌آوری در سطح جهانی. این دو جریان، شبکه ارتباطات بین‌المللی را که تشدیدگر تهدیدهای فراملی است، وسعت بخشیده است. این تأثیر متقابل خطری جدی را متوجه پاسداری دولت از امنیت می‌سازد.

۱- بیماری‌های واگیردار

افزایش میزان و درجه تحرک انسانی در طول تاریخ، زمینه شیوع بیماری‌های واگیردار با آثار ویرانگر را فراهم ساخته است. بلایایی که اروپای قرون وسطی را درنوردید، آبله که با اسپانیاییها به امریکا برده شد و وبا، مالاریا و ایدز که امروزه نابودی به بار می‌آورد، همه بر تأثیر ناگواری که بیماری‌های ساری می‌تواند بر یک جامعه آسیب‌پذیر داشته باشد، صحنه می‌گذارد. امروزه، ویروس‌های مقاوم در برابر دارو و عوامل بیماری‌زایی کشف شده که به‌هنگام عبور افراد از جنگل‌های مناطق گرمسیری، می‌توانند به طور ناخواسته و ظرف چند ساعت به سرتاسر جهان برده شوند. عوامل یک بیماری همه‌گیر - از جمله دام و مواد غذایی آلوده، بهداشت پایین، سیستم‌های ناکافی دفع فاضلاب، عوامل بیماری‌زای مقاوم در برابر دارو و تماس سریع و گسترده انسانی - عمدتاً برای شکل‌گیری فاجعه‌ای بین‌المللی کافی است. به رغم شناخت بالا از این مسایل، پاسخ‌های ملی اخیر به دو مورد از کشنده‌ترین بیماری‌ها حکایت از چگونگی ممانعت سیاست‌های دولتی از اقدام مؤثر دارد.

تا دهه ۱۹۷۰، بیماری مالاریا به‌واقع از کشورهای پیشرفته صنعتی ریشه‌کن شد و به دلیل استفاده گسترده از حشره‌کشها و توزیع وسیع درمانگرهای دارویی

مؤثر، میزان آن در بیشتر کشورهای در حال توسعه دنیا روبه کاهش گذارد. (۸)
متأسفانه زمانی که این مشکل در شمال "برطرف" شده بود، کار متوقف گشت
و با مالاریا به منزله ضربه کشنده احتمالی برخورد نشد.

با برداشته شدن فشار، پشه‌ها در مقابل حشره‌کشهای بسیاری مقاوم گشته و
بیماری، عوارض تازه‌ای را سبب گشت که داروهای ضد مالاریا بر آن بی‌اثر بود
و در نتیجه زمینه برای حمله‌ای جدید در دهه ۱۹۸۰ مساعد گردید؛ اینک حدود
۳۰۰ میلیون نفر در سراسر جهان از بیماری مالاریا رنج می‌برند.

بیماری سل، نمونه دیگری از مرضی است که در مقطعی تا
مرز نابودی کامل پیش‌رفت و اینک دوباره جان گرفته است. دلیل این امر تا حدی
آن است که کشورهای ثروتمند در زمانی که بیماری مذکور را طی دهه
۱۹۶۰ تحت کنترل درآورده بودند، تلاشهای خود برای کنترل آن در خارج را
متوقف ساختند؛ سل، خود را در کشورهای خارجی بار دیگر آشکار ساخت و
اینک با پیامی دهشتناک به کشورهای غربی، بازگشته است. بیماریها متحرک و
سیالند و تنها با اقدامات قاطع و قوی یک کشور به سادگی مهار شدنی نیستند.

در هر دو مورد مذکور، نیروهای فراملی نقش مهمی ایفا می‌کنند. برای نمونه،
در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، خدمات ناکافی بهداشتی، شکل‌گیری
یک بازار سیاه جهانی دارو را سبب گشته است. بازار سیاه، وابستگی لگام
گسیخته به درمان از طریق دارو را تشویق می‌کند که خود، ویروسها را به
افزایش توان مقاومت در برابر دارو قادر ساخته است. این ویروسهای مقاوم به
گونه‌ای مؤثر در بین جمعیت انسانی در سراسر دنیا پراکنده شده‌اند.

باید گفت این‌گونه نیست که رهبران حکومتی به عمد با این تهدیدها برخورد
نمی‌کنند، بلکه اساساً این‌گونه است که تهدیدهای تازه پدید آمده، در تفکر و

رفتار دولت محوری، مورد توجه واقع نمی‌شوند. تنها شیوه پایدار مبارزه با این تهدیدها، تلاش عوامل مختلف از جمله توسعه پشتیبانی مالی طرح‌های بهداشتی، بهبود استانداردهای صنعتی و نظارت بر توزیع در کارخانه‌های داروسازی، اقدام سازمانهای غیردولتی جهت آموزش فردی و سازمانهای بین‌المللی دولتی در جمع‌آوری و انتشار اطلاعات گسترده و فراگیر می‌باشد. هیچ دولتی به تنهایی قادر به حفاظت از شهروندان نیست و هر تلاشی که عوامل کلیدی را نادیده انگارد، آن‌گونه که باید الزام‌آور نمی‌باشد.

۲- تخریب زیست‌محیطی

گرم شدن زمین، نازک شدن لایه اوزن، باران اسیدی، نابودی تنوع زیستی، آلودگی به علت پرتوزایی^۱ نمونه‌هایی از مجموعه روبه فزونی مشکلات زیست محیطی است که پیامدهای ناخواسته تحرک و تعامل انسانی می‌باشد. این تهدیدات، مرز نمی‌شناسند و هزینه‌های غیرقابل برآوردی بر تندرستی و رفاه انسانی تحمیل می‌کنند و در این بین ابزارهای سنتی امنیت، کارایی اندکی دارند. از این گذشته، به استناد ارزیابی‌هایی نظیر نخستین گزارش برنامه محیط زیست سازمان ملل تحت عنوان "چشم‌انداز زیست محیطی جهان"، این‌گونه مشکلات در پهنه جهان روبه وخامت می‌گذارند. (۹) از نویسندگان پرنفوذ عرصه زیست‌شناسی چون ادوارد او. ویلسون گرفته تا روزنامه‌نگاری مثل رابرت کاپلان، این تحول زیست محیطی را که اینک جدی‌ترین تهدید امنیت انسانی است، به بحث کشیده‌اند. (۱۰)

با شرمساری تمام، دولتها به صورت مشوقان ماهیت فراملی این‌گونه تهدیدات ظاهر می‌شوند. نشستهای متعددی با حضور دانشگاهیان، سازمانهای غیردولتی و مقامات دولتی برای یافتن راهبردهای راه‌گشای جمعی برگزار شده است. اما

در همه آنها، دولتها به رغم پذیرش اهمیت و ضرورت توجه به مشکلات مذکور، اغلب از تقسیم قدرت و پذیرش تعهدهای سنگین سرباز زده‌اند.

برای مثال، اثبات تأثیر عامل انسانی در گرم شدن زمین، به بسیاری از دانشمندان باورانده که اگر جهان‌خواهان اجتناب از سیلی بنیان‌کن و خشکسالی در قرن آتی است، باید اقداماتی به‌منظور کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای انجام پذیرد. چنان چه روند گرم شدن زمین مهار نگردد، میلیاردها انسان با کمبود مواد غذایی، انواع بیماری و بی‌خانمانی روبرو خواهند گشت. پیوستن کشورها به توافق‌نامه تغییرات آب و هوایی^۲ (۱۹۹۲) و توافق‌نامه کیوتو^۳ (۱۹۹۷) نشان از درک مشکل دارد، اما آنها نمی‌توانند یانمی‌خواهند برای حل آن با یکدیگر و گروه سازمانهای شغلی و صنعتی غیردولتی همکاری کنند. در مقابل، به بهانه منافع ملی که مقوله مقدسی به نظر می‌رسد، خود را عقب می‌کشند؛ ایالات متحده اقتصاد خود را به خطر نمی‌اندازد؛ کانادا و استرالیا اظهار می‌دارند که قلمرو وسیع و آب و هوای طاقت‌فرسای این کشورها، مصرف گسترده انرژی را توجیه می‌کند؛ کشورهای عضو اوپک نیز در صدد جبران کاهش احتمالی فروش نفت هستند.

در این حال، کشورهای غربی با تأکید بر این نکته که چین و گروه ۷۷ مسؤول پاسخگویی در مورد ۵۰٪ ضایعات جهان تا حدود سال ۲۰۳۵ خواهند بود، پیشنهاد می‌کنند که سرنوشت زمین به مهار سیاستهای توسعه لگام‌گسیخته کشورهای فقیرتر جهان وابسته است.

همزمان با تحرک روبه فزونی انسان، توانایی او برای دسترسی به کالاها، خدمات، فن‌آوری و توزیع آنها در یک گستره بین‌المللی - از مواد مخدر، پول، تسلیحات گرفته تا اینترنت - به تهدیدهای فراملی سرعت و شدت بخشیده است. جریان آزادسازی سرمایه در دهه ۹۰، واپسین حلقه زنجیره‌ای از تغییرات - شامل رشد غم‌انگیز بازارهای یورو و دلار و بین‌المللی شدن بانکداری و تولید - که حاکی از جهانی شدن واقعی اقتصاد جهانی است، محسوب می‌شود. در کنار آزادی تجارت، جریان آزاد سرمایه به معنی آن است که دیگر، سرمایه‌گذاران به فرصتهای داخلی محدود نمی‌شوند. آنها می‌توانند به سرعت در خارج به جستجوی مشتریان، مصرف‌کنندگان جدید و فرصتهای سرمایه‌گذاری در دورترین نقاط جهان بپردازند. در مسیری که آدام اسمیت و دیوید ریکاردو هیچ‌گاه پیش‌بینی آن را هم نکرده بودند، امروز به شدت نیروهای جهانی عرضه و تقاضا، هدایت اقتصاد دنیا را بدون کمترین میزان مداخله و توسعه دولتهای ملی در دست دارند.

به رغم آن‌که این تغییر به‌طور ضمنی بسیار سودآور است، با خود نوعی تهدید امنیتی نسبت به ارزشهای محوری حکومتها و مردم آنها را نیز به‌همراه دارد. این تهدید با به تحلیل بردن توانایی دولتهای محلی در محافظت از جوامع خود در برابر پیامدهای منفی فعالیت فراملی و افزایش توان بازیگران غیردولتی در اقدام فراسوی محدودیتهای حوزه تحت کنترل دولت، عملی می‌گردد. (۱۱) برای نمونه، دولتهای ژاپن، کره و برزیل همگی ناتوانی خویش برای صیانت از خود و شهروندانشان در برابر غفلت و کوتاهیهای صاحبان سرمایه تالی^۱ را به اثبات رسانده‌اند. (۱۲) شاید کوتاهیهای "تالی"، جز اعطای وام بانکهای ژاپنی به شرکتهای کره جنوبی که در تایلند سرمایه‌گذاری کرده بودند، به نظر پیامدهایی

جزئی به دنبال داشته است. به هنگام کوتاهی صاحبان سرمایه تای، اقدامات پیشگیرانه در بازارهای سهام آسیا، موجهای متزلزل کننده‌ای در بازارهای سهام اروپا، ایالات متحده و امریکای لاتین ایجاد کرد که نتیجه آن، تضعیف شماری از اقتصادهای آسیایی و ضربه به سرمایه‌گذاری در سراسر جهان بود.

همچنین جهانی شدن اقتصاد، برای کشورهای دنیا حفاظت از خود و شهروندان‌شان در برابر نقش آفرینان فراملی را که از نظارت بر خود طفره می‌روند، دشوارتر ساخته است. اقتصاد جهانی برای عوامل نامطلوب، نظیر باندهای مواد مخدر، زیرپاگذاردن محدودیتها و قوانین ملی را ممکن ساخته است. با توجه به ماهیت سیال و متحرک سرمایه‌گذاری جهانی و شبکه‌های توزیع، راه برای فرار سرمایه ناشی از مواد مخدر و نیز توزیع این مواد، آسان گشته است. (۱۳) بنابراین شگفت‌آور نیست که توسعه تجارت با مکزیک تحت تأثیر پدیده رشد قاچاق مواد مخدر قرار گیرد. متأسفانه مبارزه با این پدیده در سطح حکومتی احتمالاً بی‌تأثیر خواهد بود، زیرا تا آن جا که مشخص شده قاچاقچیان قادر به جابه‌جایی سریع امکانات توزیع و فرار هستند. تا جایی که تقاضای جهانی انگیزه‌ای قوی برای قاچاق مواد مخدر فراهم کند، فعالیت تأمین‌کنندگان [این مواد] تا زمانی که دسترسی به بازارها برایشان تضمین و تأمین گردد، ادامه خواهد یافت.

حمل مواد مخدر، تنها یکی از فعالیتهایی است که شمار روزافزونی از سازمانهای جنایتکار فراملی، انجام داده‌اند. (۱۴) بسیاری از این‌گونه سازمانها را گروههای مذهبی، نژادی و یا تروریستی که وجهه فراملی آنها را تقویت می‌کنند و به طور ضمنی نیز بر نفوذ ناپذیری آنان می‌افزایند، همراهی می‌کنند. جنایتکارانی که به شبکه‌های فراملی که برای آنها هم امکان دسترسی و هم

پوشش در سطح جهان را فراهم می‌آورد، متصل می‌شوند، به سختی با مقابله دولتی روبرو و یا گرفتار و دستگیر می‌شوند. همان‌گونه که جنایتکاران فن‌آورهای نوینی برای رهایی از شیوه‌های جاافتاده و قدیمی مقابله با ایشان را به کار می‌گیرند، دستگاه‌های امنیتی نیز باید راهبردهای تازه‌ای برای خنثی‌سازی تلاش‌های آنان به کار برند.

۴- تجارت اسلحه

جهانی شدن و خصوصی‌سازی تجارت اسلحه از جمله سلاح‌های سبک و مینهای زمینی، به نوع مشابهی از تهدید فراملی رهنمون می‌گردد. با توجه به کاهش خریدهای نظامی داخلی در چهار کشور از پنج تا از بزرگترین کشورهای قاره‌ای و تولیدکننده جنگ‌افزارهای هسته‌ای (ایالات متحده، روسیه، بریتانیا و فرانسه و البته نه چین)، آشکار می‌گردد که تولیدکنندگان خصوصی اسلحه داخلی به‌طور فزاینده‌ای به بازارهای خارجی متکی می‌شوند.

میزان فروش سالانه اسلحه در سطح جهان، بیش از ۵۰ میلیارد دلار امریکا برآورد می‌شود. (۱۵) تقریباً ۷۵٪ از فروش اسلحه به کشورهای در حال توسعه - به‌ویژه خاورمیانه - انجام می‌گیرد، که اخیراً بخش اعظم کشورهای آن گرفتار کشمکش‌های داخلی یا درگیریهایی با یکدیگر بوده‌اند. (۱۶)

همان‌گونه که جنگ خلیج [فارس] به خوبی روشن ساخت، اغلب تولیدکنندگان اولیه، مصرف‌کنندگان و تجار کالاهای و فن‌آوری راهبردی را کارخانه‌های خصوصی و افراد تشکیل می‌دهند. یکی از شایع‌ترین مشکلات در زمینه کنترل تسلیحات، ناتوانی دولتها در جلوگیری از فعالیت شرکت‌های داخلی در زمینه فروش کالاهای راهبردی به کشورهای مسأله‌دار و یا به عوامل غیردولتی است. این مسأله به نوعی "نقص غیرارادی" می‌انجامد که در آن

دولتهای ملی نسبت به وضعیت موجود بی اطلاع هستند و یا این که قادر به بازداشتن افراد محلی از فروش سلاح یا دیگر کالاهای قاچاق نیستند. اغلب این گونه معاملات به دلیل انگیزه های مالی که تهدیدکننده هم نیستند، شدت می یابند و حتی در عین حال ممکن است به خاطر توزیع مجدد قابلیت های اقتصادی و نظامی به دیگر بازیگران ضعیف تر، مستلزم مفاهیم راهبردی مهمی باشند؛ برای مثال، یک شرکت اسکاتلندی تابع یک کارخانه امریکایی، موشک های اسکاد عراق را که بر ضد نیروهای شرکت کننده در عملیات طوفان صحرا در جنگ ۱۹۹۱ خلیج [فارس] به کار رفت، تولید کرده بود. در واقعه ای که به تازگی روی داد، یک کارخانه اسلحه سازی چینی که به طور غیرقانونی از طریق کشتی، سلاح های سبک به امریکا می فرستاد، کشف و برملا شد. دولت ایالات متحده، دولت چین را مسؤول شناخت و به دلیل فروش این سلاحها از آن دولت غرامت خواست. به هر حال، این احتمال وجود دارد که اظهارات نماینده چین مبنی بر این که وی هیچ اطلاعی از این جریان نداشته، درست باشد. این امکان وجود دارد که کاهش شمار شبکه های توزیع سنتی بتواند به گونه دیگری با تهدید فراملی که از تجاری شدن فن آوری های نظامی ناشی می شود، مرتبط باشد. اینترنت که از فن آوری نظامی ناشی شده از نخستین نمونه ها و مثالها است. هزینه های کم ورودی و بازبایی زیاد، استفاده کنندگان بدنهاد رایانه را قادر به دستیابی به اطلاعات حساسی کرده است. همچنین تجهیزات پیچیده دریانوردی و سیستم جهانی موقعیت یابی ممکن است همان گونه که به یاری خلبانان و رانندگان سرگردان می شتابند، به استفاده تروریستها درآید. کشورها به شدت در برابر جاسوسی پیشرفته، خرابکاری و تروریسم آسیب پذیرند.

خطرات، متنوع و گوناگونند و اقدامات امنیتی سنتی به شدت نارسا و محدود است.

(د) بازگشت به پاسخی انعطاف‌پذیر

در دهه ۱۹۶۰، دولت کندی و سپس ناتو با طرح ابتکاری استراتژی هسته‌ای موسوم به "پاسخ انعطاف‌پذیر" به تحول قابل ملاحظه در توازن قوا بین اتحاد شوروی [سابق] و ایالات متحده واکنش نشان دادند. سیاست مزبور به تشخیص این نکته انجامید که در سایه توازن هسته‌ای، امکان مقابله به مثل با توان اتمی ایالات متحده و ناتو دیگر به صورتی که پیش از این قابل مقابله بودند، وجود ندارد. ماهیت متغیر تهدید هسته‌ای به این معنی بود که سیاست هسته‌ای باید از نو بازسازی شود تا بتواند ناتوانی راهبردها و ابزارهای موجود جهت تأمین امنیت را آشکار سازد. امروزه باید بر همین روال، سیاست امنیت ملی متحول گردد تا ماهیت متغیر تهدیدهایی که منافع حیاتی کشورها را به مبارزه می‌خواند، آشکار گردد.

به منظور پاسخ‌گویی مؤثر و کارا، سیاست‌گذاران امنیت ملی باید سه مرحله را در سمت‌گیری جدید خود در نظر آورند؛ اول، آنان باید انواع و میزان جدیت تهدیدها را مشخص و اولویتها در اهداف را معین کنند. دوم، باید در برابر فتنه‌های همراه با تهدیدهای فراملی که متوجه دولتهای خاصی است، بایستند. به این منظور، این کشورها به تجزیه و تحلیل شبکه‌های جهانی‌ای که امر تقویت تهدیدهای فراملی را عهده‌دار هستند و نیز شناسایی نقاط فشار و عوامل مؤثر آنان، نیاز دارند. سوم، آنان باید از طریق بسیج منابع و توسعه راهبردهایی که انگیزه‌ها، فرصتها و قابلیت‌های شبکه فن‌آوری که جهان دیروز را به عصر

جدیدی از تهدید و فرصت پیوند می‌دهند، این‌گونه تهدیدات فراملی را پاسخ دهند.

مرحله اول: شناخت تهدیدات فراملی، تعیین اولویتها

برای اقدام در این مرحله باید بین تهدیدهای خاص و تهدیدهای عمومی و نیز تهدیدات ایجاد شده به وسیله نقش‌آفرینان فراملی و پدیده‌های فراملی، تفکیک قایل شد؛ برای مثال، شاید حذف بازیگر خاصی یا اقدام ویژه‌ای (نظیر جاسازی بمب در اثاثیه هواپیما) اهمیت حیاتی داشته باشد، اما چنین اقداماتی فقط اثر ناچیزی بر تهدید عمومی از ناحیه تروریسم می‌گذارد. در عصر محدودیت منابع، مشخص ساختن این که ما چه رفتاری باید در مقابله با تهدیدهای خاص یا عمومی - یا هر دو - داشته باشیم، ضروری و لازم است.

موضوع کار و فعالیت جمعی دولتها با یکدیگر و نقش‌آفرینان دولتی برای دستیابی به اولویتهایی برای رویارویی با انواع مختلف تهدیدهای خاص و عمومی، حایز اهمیت است. شاید در واقع، برخی پدیده‌های برجسته فراملی که به شدت مورد توجه قرار گرفته‌اند، خطر ناچیزی برای امنیت ملی داشته باشند؛ برای نمونه، نسبت میزان تهدید ارزشهای اصلی به وسیله تروریسم در مقایسه با گسترش تسلیحات، فرار سرمایه و بیماری‌ایدز را می‌توان در نظر آورد. از این چهار مورد، فرار سرمایه در نظر عموم کمتر قابل ملاحظه است، حال آن‌که به تدریج اقتصاد را به تحلیل می‌برد، انگیزه‌هایی برای تجارت مواد مخدر و گسترش تسلیحات فراهم می‌سازد و تأثیرات ویرانگر آن بر شمار زیادی از مردم به جا می‌ماند؛ از این‌رو در فرهنگ امنیتی، این موضوع باید اولویتی بیش از وضعیت فعلی پیدا کند.

مرحله دوم: تأسیس مراکز خاص مقابله با تهدید

برای رویارویی مؤثر با تهدیدهای فراملی، باید ساختار و زمینه رشد شبکه‌های فراملی در عرصه‌های مورد فعالیت را بشناسیم. برای هرچه بهتر انجام شدن این کار، نیازمند تأسیس مراکز مبارزه با تهدید جهت ایجاد هماهنگی میان تلاشهای محلی و چندجانبه برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات، توسعه سیستمهای هشداردهنده اولیه و تأمین پشتیبانی از گروههای عامل هستیم؛ همانند کنفرانسی که در زمینه تروریسم در سطح وزیران گروه هشت در دسامبر ۱۹۹۵، در اتاوا برگزار شد، مراکز مبارزه با تهدید، باید نظرات تخصصی خود را در یک جا متمرکز ساخته و مهارتهای لازم را از سازمانهای مختلف دولتی گرد هم آورند. اما این‌گونه مراکز گذشته از هماهنگ کردن اقدام داخلی و بین دولتها، باید نمایندگان از مشاغل، صنایع و دانشگاهها را که تخصص کافی در زمینه ارتباطات مختلف فراملی دارند، جمع کنند.

مرحله سوم: واکنش فراملی در برابر تهدیدهای فراملی

هر اندازه این شبکه‌ها بهتر شناخته شوند، مراکز مذکور باید بر شناسایی نقاط فشاری که در صورت اقدام ما از هم گسیخته یا نابود می‌شوند، متمرکز گردند. همزمان، مراکز مبارزه با تهدید باید نقش‌آفرینان مؤثر و اصلی در سطوح داخلی، منطقه‌ای یا فراملی را که می‌توانند با تأمین منابع، یا اعمال فشار و یا به گونه‌های دیگر با تهدیدهای فراملی مقابله نمایند و یا عواملی را که ایفاگر نقشی کلیدی در شکل‌گیری این گونه تهدیدات هستند، شناسایی کنند. درست همان‌طور که سازمانهای جنایتکار بین‌المللی ائتلافهایی دور از دسترس حکومتها تشکیل می‌دهند، مراکز مبارزه با تهدید نیز باید ائتلافهایی مرکب از عوامل

کلیدی جهت حمله بر نقاط فشار داخل شبکه تشکیل دهند و انگیزه‌ها، فرصتها و قابلیت‌های تأثیرگذار در تداوم و بقای این نقش‌آفرینان را خنثی و نابود سازند.

فایده و کاربرد این سه مرحله را می‌توان در اعلام ممنوعیت تجارت مواد مخدر دید. باید گفت که بیشتر سیاست‌های جاری، تلاش‌هایی برای هماهنگ‌سازی اقدامات نظارتی و اجرایی را در برمی‌گیرد. چارچوب پیشنهادی ما، احتمال تأثیر این رهیافت را تا زمانی که انگیزه‌ها، فرصتها و قابلیت‌های زمینه‌ساز تجارت این مواد را هدف قرار ندهد، ناکافی و ناکارآمد می‌داند؛ از این‌رو این تلاشها باید به گونه‌ای که در زیر می‌آید، از نو تمرکز یابد:

اول از همه باید به این مسأله پردازیم که آیا هدف ما حذف یک متولی خاص مواد مخدر است و یا براندازی تجارت این مواد مدنظر می‌باشد؟ اگر دومی، گزینه ما باشد آن‌گاه باید مراکزی برای مبارزه با تهدید جهت شناسایی و ایجاد ارتباطاتی با بازیگران اصلی تأسیس کنیم و نقاط فشار را برای درهم شکستن شبکه انگیزه‌ها، فرصتها و قابلیت‌هایی که تداوم تجارت مواد مخدر را سبب می‌شوند، شناسایی کنیم. در چنین شرایطی می‌توانیم به شکلی مؤثر، شبکه را بر ضد خود آن وارد بازی نمائیم.

نخستین نقطه فشار که متضمن انگیزه اقتصادی است، به دست استفاده‌کنندگان از مواد مخدر که تجارت آن را هدایت می‌کنند، شکل می‌گیرد. با بسیج عوامل محلی در شهرهایی که خریدار مواد در آنها، افراد سطح پایین هستند و از طریق گسترش امکانات درمان و مراکز بازپروری و نیز تشدید اجرای قانون محلی، می‌توان با این مسأله مبارزه کرد. باید مراکزی برای مبارزه با تهدید با هدف افزایش هماهنگی، ارتباط و همکاری میان اقدامات چندجانبه سازمان کشورهای

امریکایی،^۱ کمیسیون نظارت بر سوءاستفاده از مواد مخدر کشورهای قاره
امریکا^۲ و برنامه مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد و برنامه‌های منطقه‌ای و
شهری [در این زمینه] تأسیس گردد.

دومین نقطه فشار شامل شبکه‌های تهیه و توزیع می‌شود که از امکانات حمل مواد مخدر برخوردار هستند. می‌توان بر این نقطه فشار تاحدی، با بسیج نیروهای گشتی مجری قانون محلی برای کنترل و مراقبت راههای مورد استفاده تجار جهت تهیه این مواد در مناطق مرزی کشور، حمله برد. با ارتباط مراکز مبارزه با تهدید و پلیس بین‌الملل و دیگر سازمانهای مجری قانون، زمینه اجرای قانون در دو سطح محلی و منطقه‌ای هموار می‌گردد.

مراکز تولید و عمل‌آوری مواد مخدر، نقطه فشار سوم را تشکیل می‌دهند. اقدامات تنبیهی جاری بر ضد دولتهای مکزیک و کلمبیا به خاطر تلاشهای عملا ناکافی آن‌دو، تا زمانی که مراکز مواد مخدر به آسانی بتوانند در کشورهای ضعیف دیگر مستقر شوند، کافی نخواهد بود. هنگامی چنین سیاستهایی کارساز و سودمند می‌افتد که با گستردگی مناسب، تمام مناطق احتمالی استقرار مجدد را شامل شوند. تحقق این امر مستلزم آن است که ائتلافهای چندجانبه - و نه دوجانبه - برای یاری رساندن به اقدامات اجرایی منطقه‌ای که فراتر از تنبیه جداگانه دولتها به خاطر ناکامی در حد مشکلات خود است، شکل گیرند. مراکز مبارزه با تهدید نظیر نیروی ضربت اقدام شیمیایی گروه ۷،^۱ توافقنامه اروپا امریکایی منادیان [مبارزه با] مواد مخدر^۲ و سازمان کشورهای امریکایی / کمیسیون نظارت بر سوءاستفاده از مواد مخدر کشورهای قاره امریکا که نقش هماهنگ‌کننده امضاءکنندگان معاهده ۱۹۸۸ سازمان ملل را بر عهده داشتند، می‌توانند گامی در این مسیر تلقی شوند.

نقطه فشار چهارم، بزرگترین نقطه است و شامل شبکه اقتصاد جهانی می‌شود که از طریق آن، درآمدهای حاصل از مواد مخدر خارج گشته و سرمایه‌گذاری می‌شود. راهبردها در این زمینه باید بر دشوارتر ساختن راه منفعت‌طلبی از

فعالتهای سودآور غیرمجاز در بازارهای مالی جهان متمرکز گردد. گروه ضربت اقدام مالی در [جلوگیری] از فرار سرمایه، نمایندگی دولتهای ۲۶ کشور و دو سازمان بین‌المللی را برعهده دارد و می‌تواند به منزله ساختار هماهنگ‌کننده یک مرکز مبارزه با تهدید در این حوزه عمل کند. چنانچه نقطه فشار جهانی در پناه بانکهای سوئیس، جزایر کیمن^۳ و جاهای دیگر قرار گیرد، کنترل و ممانعت از پذیرش سرمایه‌های ناشی از فعالتهای غیرقانونی [در این بانکها]، ضروری است.

همچنین پیشنهاد می‌شود تلاشهای بیشتری جهت شناسایی جنایتکاران، سابقه همدستان آنان و نظایر آن در سطوح بین‌المللی، به‌عمل آید. نقطه بنیادین اولیه، تشخیص شبکه انگیزه‌ها، فرصتها و قابلیت‌هایی است که تهدیدهای فراملی را هدایت و سپس به آنها پاسخ می‌دهد.

ح) نتیجه‌گیری

دنیای ما، جایگاه ستیزه‌جویی و دشمنی است که ماهیت آن نیز پیوسته در حال تغییر است. همزمان، جهان، فرصتهای بی‌شماری جهت به حداکثر رساندن امنیت، رفاه و عدالت عرضه می‌دارد. ما قادر به بهره‌برداری از این فرصتها هستیم، اما ابتدا باید چگونگی در معرض تهدید قرار گرفتنمان و نیز چگونگی پاسخ به آنها را - به بهترین شیوه ممکن - بازشناسیم.

دولت که برای تأمین امنیت در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی به‌وجود آمده است، براساس سابقه تاریخی خود، ملزم به مبارزه جهت پاسخ‌گویی به امور امنیتی فراملی می‌باشد. گرچه باید برای درهم شکستن آلمان نازی آینده، مهیا بود، اما در عین حال باید برای مقابله با ویروس بیماری ابولا،^۱ مهاجرت

دسته‌جمعی، تکثیر و گسترش تسلیحات مواد مخدر و تروریسم نیز آمادگی داشته باشیم. همان‌طور که فن‌آوری‌های نوین، الگوهای رفتار سنتی را درهم ریخته است، ما باید به فکر یافتن راه‌های جدیدی برای تأمین امنیت باشیم. مبارزه‌ای در پیش است که سازواری دولت با این فضای جدید و ابداع ساختارهای کارآمد فراملی برای پرداختن به تهدیدهای جهانی را شامل می‌شود. همان‌گونه که تاریخ خونبار تحولات سیاسی گواهی می‌دهد، نوآوری هرگز کار آسانی نیست؛ اما سنت نیز دشمنان امنیت انسانی را محدود ساخته و در تنگنا قرار نمی‌دهد. آنان در هر جای مناسب، یورش خواهند برد و البته نوآوری‌های سالیان اخیر هم فرصتهای بی‌شماری را آفریده است.

تنها در صورت فهم و شناخت کامل شبکه‌انگیزه‌ها، فرصتها و قابلیت‌هایی که در اختیار این تهدیدات هستند، امکان مقابله با آنها فراهم می‌آید. ما باید به زبان خود این تهدیدات با آنها برخورد کنیم و این امر، به‌کارگیری راهبردی مجموعه نیروهای بین‌المللی را که تروریست‌ها، جنایتکاران و دیگران به سرعت به استخدام اهداف خویش درمی‌آورند، ایجاب می‌کند. اقدام به این شیوه، ضمن فراهم ساختن اقبال جنگیدن برای حفظ امنیت خود، امکان لذت بردن از ثمرات پیشرفتهای پی در پی تکنولوژیک را در اختیار ما می‌گذارد.

یادداشتها

(۱) Klare, Michael T. *Rogue States and Nuclear Outlaws: America's Search for a New Foreign Policy*, New York, Hill and Wang, ۱۹۹۵; Gerald Schneider & Patricia Weitsman, eds, *Enforcing Cooperation:*

"Risky" States and the Intergovernmental Management of Conflict, London, Macmillan Press, 1997.

(2) Brown, Seyom, World Interests and the Changing Dimensions of World Security, in Michael Klare & Daniel C. Thomas, eds, World Security: Challenges for a New Century, 2nd edn., New York, St. Martin's Press, 1994, pp. 10-26; James Rosenau, Turbulence in World Politics: A Theory of Change and Continuity, Princeton, NJ Princeton University Press, 1990; Donald Snow, National Security: Enduring Problems in a Changing Defense Environment, 2nd edn., New York, St. Martin's Press, 1991.

(3) Gaddis, John Lewis, 'Toward The Post-Cold War World,' in Eugene Wittkopf, The Future of American Foreign Policy, 2nd edn., New York, St. Martin's Press, 1994, pp. 16-36.

(4) Security has traditionally been considered in terms of the threat, use and control of military force by and against other states. See Stephen M. Walt, The Renaissance of Security

Studies', *International Studies Quarterly*, Vol. 35, no. 2 (June 1991), pp. 211-239, at p. 212

(5) Kahn, Herman, *On Thermonuclear War*, Princeton, NJ: Princeton University Press, 1961.

(6) Brown, Lester, *World Without Borders*, New York, Random House, 1972; Barry Buzan *People, States, and Fear: The National Security Problem in International Relations*, Chapel Hill, NC: University of North Carolina Press, 1983; Jessica Mathews *Redefining Security*, *Foreign Affairs* Vol. 68, no. 2 (1989), pp. 162-77. Richard Ullman, *Redefining Security*, *International Security*, Vol. 8, no. 1, (Summer 1983), pp. 129-153.

(7) As Alexander George, *Bridging the Gap: Theory and Practice in Foreign Policy*, Washington, DC: USIP Press, 1993, p. 10, and others have demonstrated, it is often easier to hammer new data into existing categories than create new categories, but it is rarely wise to do so.

(8) Garrett, Laurie, *The Coming Plague: Newly Emerging Diseases in a World Out of Balance*, New York, Farrar, Straus and Giroux, 1994.

(9) UNEP, Global Environmental Outlook, New York, United Nations Press, 1997.

(10) Wilson, Edward O. The Diversity of Life, Cambridge, MA Belknap Press, Harvard University Press, 1992.

(11) Buzan, Barry, People, States, and Fear, pp. 124-131; Edward Graham & Paul Krugman, Foreign Direct Investment in the United States, 2nd edn. Washington DC, Institute for International Economics, 1991.

(12) 'The Asian Contagion,' Washington Post, 24 March 1997, p. A24.

(13) Williams, Phil, & Black, Stephen 'Transnational Threats: Drug Trafficking and Weapons Proliferation,' Contemporary Security Policy, vol. 10, no. 1 (April 1994), pp. 127-151.

(14) Handelamn, Stephen 'The Russian "Mafiya",' Foreign Affairs, vol. 73, no. 2 (March/ April 1994), pp.

٨٣-٩٦; Phil Williams 'Transnational Criminal Organizations: Strategic Alliances,' *The Washington Quarterly*, vol. ١٨, no. ١ (Winter, ١٩٩٥), pp. ٥٧-٧٢.

(١٥) Klare, Michael, *World Security: Challenges for a New Century*, pp. ٨٥-١٢٩; *Transnational Threats: Drug Trafficking and ض*, Phil Williams & Stephen Black 'Weapons Proliferation' (see note ١٣ above).

(١٦) Klare, Michael 'Adding Fuel to the Fires,' in Michael Klare & Daniel Thomas, eds, *World Security: Challenges for a New Century*, ٢nd edn., New York, St. Martin's Press, ١٩٩٤, pp. ١٣٤-١٥٤.